

ماجرای محاکمه پیر لاوال در روز

۱۵ اکتبر ۱۹۴۵

ترجمه و تلخیص: سید مرتضی مشیر

وکیل پایه یک دادگستری و نماینده مجلس شورای ملی



پیر لاوال - استالین

بعد از اعتراض وکلای مدافع لاوال وعدم حضور در جلسه دادرسی از طرف آقای Poignard رئیس کانون وکلای پاریس نامه‌ای خطاب به آقایان ژاک بارادوک و آلبرت نو صادر وبه آنان توصیه می‌شود که علیرغم مشکلات باید در محکمه عالی انقلابی حاضر شوند تا حق دفاع موکلشان ضایع نگردد .

بارادوک می‌نویسد بعد از وصول نامه مذکور باتفاق «نو» نزد لاوال میروند تاجر یان را بوی اطلاع دهند و او از این پیشامد خوشحال شده و اظهار می‌دارد که روز گذشته در فیاب و کلاه خود تا چه حد احساس تنهایی می‌نموده .

در این موقع لاوال مروری بجراید نموده و می‌گوید با اینکه من با مطبوعات سابقه آشنائی دارم لیکن اگر آنها مایل باشند که من تغییر وضع بدهم این امر اسکان پذیر نخواهد بود زیرا بهیچوجه قادر نیستم تا بطریقی دیگر جلوه گر گردم !

سپس آقای نو نامه‌ای را که بدادگاه نوشته و در آن درخواست نموده که باز پرسى

و تحقیقات بطور کامل انجام شود بلاول نشان می‌دهد ووی آنرا قرائت و تأیید می‌نماید تا وکلاء امضاء و تسلیم نمایند .

هیأت دادرسان قبل از تشکیل جلسه نخست باطابق مشاوره میروند تا بگفتگو پردازند و در همین روز منشی دادستان نزد آقای بارادوک می‌رود تا بوی اطلاع بدهد که آقای Mornet دادستان محکمه عالی انقلابی او را مأمور ساخته که اعلام دارد پرونده اتهامی آماده است تا همه‌روزه در اختیار وکلاء گذاشته شود و وقتی سؤال می‌شود که آیا میتوان صبح به آن مراجعه کرد اظهار می‌دارد نه برای بعد از ظهر و چون جواب می‌شود که مگر در نظر دارید مدارک را بهنگام دادرسی در اختیار ما بگذارید ؟ خانم منشی با خجلت عقب‌گرد می‌کند و بارادوک متوجه می‌شود که خانم سکرتر در موقع بازپرسی هم نزد آقای Bêteille خدمت می‌نموده ! و از این قضیه که اساس استنطاق و اتهام هر دو یک موضوع و منشی بازپرس و دادستان نیز فرد واحدی می‌باشد ! مزید بر تعجیش می‌گردد .

بارادوک نقل می‌نماید در اثنائی که بانتظار شروع محاکمه نزد لاوال بوده است آلبرت نووارد می‌شود و یکجلد مجله به آنها ارائه میدهد که روی جلد شخصی باهینتر دست می‌داده و دادستان محکمه انقلابی مدعی است طرف مقابل لاوال می‌باشد ولی لاوال مجله را از نزدیک ملاحظه و با لیتخند اظهار می‌دارد این عکس متعلق باونست .

نیم‌ساعت بعد مشاوره دادگاه خاتمه می‌یابد و درخواست وکلای لاوال برای تکمیل تحقیقات رد و بناچار دادرسی دنیال می‌شود .

در این روز نخست آلبرت نو اظهار می‌دارد ما وکلاء از محتویات پرونده کلا بی اطلاعیم و موکلان در زندانی بسر می‌برند که بمحکومین محروم شده از حقوق اجتماعی اختصاص دارد آیا در حالیکه بمتهمین جنائی و حتی جلادان تضمین کافی و لازم داده میشود که از خود دفاع نمایند سزاوار است که چنین حقی از پیر لاوال نخست وزیر سابق مضایقه شود ؟ آخر بچه علت نمی‌گذارید جریانات تاریخ چهارساله غم‌انگیز ملت فرانسه روشن شود ؟ و برای چه مایلید که محاکمه تا قبل از انجام انتخابات (۱۶ روز بعد مترجم) خاتمه یابد ؟

متعاقب بیانات تند و سخت آقای نو - ژاک بارادوک وکیل دیگر لاوال مراتب تعجب و غافلگیری خود را از جریان دادرسی تشریح و تقاضا دارد مهلتی باو داده شود تا بتواند رجال سیاسی را برای شهادت بدادگاه معرفی نماید و گر نه در جریان انتخابات حصول چنین امری غیر مقدور است وی سپس با تعرض اضافه مینماید :

« آخر (اما) آقای رئیس محکمه شما مطیع دستور چه مقامی هستید ؟ »

Mais à quel ordre avez-vous donc obéi Monsieur le Président ؟ ”

بیان این مطلب آنچنان اتمسفری بوجود می‌آورد که قضات چون ساعت زنگان متحیر می‌گردند و آقای Mongibeaux رئیس محکمه انقلابی برای دفاع از خود اظهار می‌دارد : « شما اجازه نمیدهم (مانع می‌شوم) که بامن چنین صحبت کنید . »

« Je vous interdis de me parler ainsi . »

و آقای Mornet دادستان نیز مدعی می‌شود که از کسی دستور نگرفته است ! در این شرائط وقتی بدرخواست قانونی لاوال و کلایش اعتنائی نمی‌شود وی تصمیم می‌گیرد از تفوق شخصی خود در برابر قضاتی که در زمان وزارت دادگستری مقامات پائین تری را بمهده داشته اند استفاده نموده و با بیانات مؤثر ابتکار عملیات را در دست بگیرد ، باین منظور مجدداً درخواست می‌کند که جریانات دادرسی در روزنامه رسمی درج شود تا حقایق روشن و مطلبی مخفی نماند و ادامه می‌دهد انتظار دارد که محاکمه اش کاملاً علنی باشد تا احتناق حاصله در مرحله بازپرسی جبران شود سپس توضیح می‌دهد چرا مسئولین امور از ایراد حقایق ترس دارند ؟ اساساً کسانی که مدعی خدمت به مملکتند نباید چیزی را از مردم مخفی سازند ! ظاهراً به لاوال وعده می‌دهند که تقاضایش را با اطلاع وزیر دادگستری برسانند ولی هرگز با چنین خواسته مشروعی موافقت نمی‌گردد .

در ۵ اکتبر ۱۹۴۵ بحث لاوال درباره جلسه مجلس ملی فرانسه در روز ۱۰ ژوئیه ۱۹۴۰ دور می‌زند و اظهار مینماید که اعلام منار که جنگ از طرف فرماندهان نظامی تقاضا شده و اوسمتی در این زمان نداشته تا مسئولیتی متوجهش گردد بنا بر این عنوان هر نوع مطلب دیگری جنبه خلاف واقع را دارد بعلاوه اگر بعد از شکست فرانسه قبول خدمت نموده هدفش محافظت از کشور در برابر فاتحین و آشوب طلبان بوده است .

در خاتمه این جلسه لاوال بو کلاه خود اطلاع می‌دهد که فردا در اطراف پرونده آلزاس ولرن گفتگو خواهد نمود بدلیل این که موضوع مربوط بفسلی می‌شود که عقاید و افکار عمومی بدان توجه مخصوص دارد و مسلماً جلسه دادرسی از نظر من جالب و از لحاظ دادستان ناخوشایند خواهد بود . (متأسفانه هرگز لاوال اجازه داده نشد که حقایق تاریخی را در دادگاه افشا سازد و فقط بعد از مرگش که یادداشتها و نوشته های او در زندان برای رد ادعای دادستان بسورت کتابی بنام « Laval parle » لاوال حرف می‌زند بچسب رسیده و متعاقباً اسناد محرمانه آلمان نازی در دادگاه نورمیررگه ارائه شد مشخص گردید تا چه حد با کمال قساوت و بیرحمی درباره اش قضاوت شده است . مترجم) .

جلسه دادرسی ۶ - اکتبر ۱۹۴۵

پس از اعلام رسمیت جلسه دادگاه آقای Mornet دادستان محکمه عالی انقلابی اظهار می‌دارد نخست باید توجه داشت که بچه علت لاوال مورد اتهام و عتاب قرار گرفته است ، من دیروز از وی سئوالی نموده ام که جواب نداده است و پرسش من این بوده که اگر با سیاست مارشال پتن مخالفت داشته و بر اثر این امر از مقام وزارت کنار گذاشته شده چرا مجدداً قبول نموده است که بعنوان معاون نخست وزیر در دولت باقی بماند ؟ و چرا حاضر شده است چند هفته بعد از شکست و اضمحلال کشور بر خلاف قوانین اخلاقی بزبان متفق ما (انگلستان) که ملزم بوده ایم نسبت به آن کشور وفادار بمانیم قیام و اقدام نموده و چگونه برای الحاق مجدد آلزاس - ولرن ا به آلمان در برابر جهانیان جواب مساعد داده است ؟ (پیر لاوال هرگز با الحاق آلزاس ولرن به آلمان موافق نبوده و در مصاحبه ۲۵

مه ۱۹۴۱ باخبر نگار یونایتدپرس که شاغل مقامی هم نبوده است چنین امری را مغایر با اصل تفاهم و همکاری می دانسته و عقیده داشته است اگر آلمان نظری بیخاک فرانسه داشته باشد هرگز صلحی پایدار بین دو کشور برقرار نخواهد شد. بعلاوه در زمان نخست وزیر خود نیز اعتراضات کتبی خود را بلافاصله با اطلاع آلمان رسانیده است. (مترجم).

وبالاخره چگونه در اوایل ۱۹۴۲ بطور تحمیلی بحکومت رسیده و از آن تاریخ ببعد آشکارا سیاست نزدیکی با آلمان را در پیش گرفته است!

دادستان اضافه می نماید که محاکمه مربوط بزمان قبل از جنگ نیست و ادعا از روز ۱۰ ژوئیه ۱۹۴۰ که کودتا صورت گرفته آغاز می شود و از طرفی قضایا ارتباط مستقیم با امضاء قوانین و بخشنامه ها دارد.

در اینموقع لاوال پاسخ میدهد که اگر وی قوانینی را امضاء نموده آقایان دادستان و هیأت دادرسان هم اجراء کرده اند!

ولی آقای مرنه Mornet مدعی می شود که در اجرای قوانین دخالتی نداشته! رئیس محکمه نیز بلاوال اخطار می کند که نباید تصور نماید از مجازات معاف می باشد زیرا وی باتهام بزرگی تحت تعقیب قرار گرفته و ممکن است بکیفر سنگینی محکوم گردد!

بمجردیکه لاوال درصدد جوابگویی بسؤال بی مورد رئیس دادگاه برمی آید و لب بسخن می کشاید آقای Mongibeaux با تعرض و قطع کلام بوی اظهار می نماید که:
« شما خارج از موضوع مداخله نموده و موجبات بی نظمی جلسه محاکمه را فراهم

Vous intervenez hors de propos, vous apportez le trouble a l' audience, et c, est sciemment que vous apportez

Je ne le telérerai pas davantage .

« و در اینکار عمد دارید که اخلاص وارد نمائید و من بیشتر از این اغماض نخواهم کرد » .

آقای Mornet دادستان نیز اظهار می دارد برای روشن شدن حقایق تا آنجا که قادر است بطور خلاصه می گوید که سیاست لاوال در جریان دادرسی از این قرار است که بطور نامحدودی محاکمه خود را بتأخیر اندازد و (دادستان) مجدداً با تکرار مکررات قبلی بموضوع امضاء قوانین و صدور بخشنامه ها و نطقهای رادیویی نخست وزیر پیشین اشاره و اضافه می کند که اگر پیر لاوال یکروز بعد از آزادی پاریس (اوت ۱۹۴۴) توقیف و بمحاکمه نظامی که دارای تشریفات طولانی نیست جلب می شد شما می دانید که چگونه محکوم می گردید (منظور دادستان محکومیت لاوال باعدام بوده است مترجم) .

مناسفانه در چنین دادگاه با عظمتی که باید حقایق تاریخی بر ملت فرانسه روشن می شد جلسه دادرسی بصورتی درآمده بود تا آقایان *Mornet* و *Mongibeaux* رئیس و دادستان محکمه عالی انقلابی بنخودنمایی پرداخته و تا آنجا افراط کنند که حتی بمتهم

اجازه دفاع از خود ندهند .

در جواب دادستان که افسوس خورده است چرا سال قبل لاوال بمحاکم نظامی تسلیم نشده تا سریعاً مجاکمه و بمرگ محکوم گردد ، پیرلاوال باظرافت جبلی و خونسردی اظهار می نماید که اگر در سال قبل بدادگاه مورد علاقه آقای دادستان جلب می شدم مسلماً امروز از درک محضرشان محروم شده بودم !

وقتی دادستان دردنبانه بیانات خود مدعی می شود که از جهات قضائی رعایت اصول گردیده و همه مدارک ارائه و در اختیار گذاشته شده ابتدا آقای بارادوک وکیل لاوال شدیداً اعتراض می نماید که چنین ادعائی صحیح نیست و متعاقباً لاوال دادستان را بخلاف حقیقت کوهی متهم میسازد .

مجدداً بارادوک فریاد می زند :

« آقای رئیس محکمه موضوع خلاف واقع است »

” G' est faux , Mousienr le Président ” .

آقای Mongibeaux بلاوال و وکلایش یادآوری می نماید که رعایت نزاکت و اعتدال را بنمایند اما بارادوک پاسخ می دهد او بر خلاف نزاکت عملی ننموده و مدارک مورد ادعای آقای دادستان را برای دفاع از موکل در اختیارش نگذاشته اند . آقای رئیس دادگاه به صورت مدعی العموم ثانی اعلام می دارد همانطور که روز قبل گفته شده همه مدارک در اختیار قرار داده شده و از این مقوله بگذریم !

آقای بارادوک بار دیگر سخنان رئیس را تکذیب می کند و آقای Naud وکیل ثانی لاوال می گوید من خلاف واقع بودن مطلب را بقید شرف تأکید می نمایم .

آقای Mornet دادستان کماکان مدعی می شود که همه مدارک در اختیار گذاشته شده است .

آخرین بار نخست ژاک بارادوک و متعاقباً نو و پیرلاوال بخلاف واقع بودن ادعای دادستان اعتراض می کنند ولی افسوس که در این محکمه عالی بمصداق آنکه البته بجائی نرسد فریاد است باین اعتراضات و ابرازحقایق مطلقاً توجهی نمی شود و آقای مدعی العموم اظهار می دارد که تمام این مسائل در دو فقره کیفرخواست صادره اعلام و خلاصه شده است و در دنباله گفتار تکراری خود تقاضا می نماید که مصالح ملت فرانسه اقتضا دارد که مذاکرات بیهوده تعقیب نگردد !

در این زمان آقای نو درخواست صحبت مینماید ولی پیرلاوال اظهار تمایل می کند که بعد از وی مطالب خود را بیان نماید سپس لاوال در مقدمه گفتار عنوان می سازد که مطلقاً قصد حادثه سازی ندارد و آقایان اعضاء هیأت منصفه اطلاع دارند که من در روز قبل ضمن نامه ای که بوزیر دادگستری نوشته تقاضائی داشته ام و می خواهم باقرائت نامه موصوف توجه همه را جلب سازم لیکن متأسفانه هر چه جستجو می کنم در میان اسناد آنرا نمی یابم (نامه موردنظر لاوال بوزیر دادگستری مربوط به تقاضائیت است که خواسته بود محاکمه اش بطور علنی و بدون مزاحمت باشد و کلیه مذاکرات نیز در روزنامه رسمی منتشر شود امامع التأسف بهیچ وجه با این درخواست موافقت بعمل نیامد . مترجم) .

آقای Mongibeaux باقطع کلام لاوال می گوید بخاطر داریم که شما نامه را خوانده اید و وقتی لاوال می گوید بله مسلم است، آقای Bedin عضو هیأت منصفه یا دخالت نایب جای خود اظهار می نماید که این سومین بار است که از آن سخن می گوئید ! دیگر کافی است .

"G , est la troisième fois que vous le dites ! G, est suffisant" .

بمجردیکه لاوال آغاز سخن می نماید تا بگوید گمان نمی کردم که قرائتش (منظور خواندن نامه ایست که وزیر دادگستری نوشته شده - مترجم) . آقای Biondi عضو دیگر هیأت منصفه مانع می شود که لاوال جمله خود را تمام نماید و با تعرض او را مخاطب می سازد که چرا به سؤال رئیس محکمه جواب نداده است و آقای Mongibeaux رئیس دادگاه که وسیله و بازیچه دست دادستان و هیأت منصفه قرار گرفته و از اداره جلسه عاجز مانده و نمی تواند موجباتی فراهم سازد تا مهم آزادانه صحبت و از خود دفاع نماید خطاب به لاوال میگوید: سؤال من اینست که چه کسانی از شما حمایت کرده اند تا موقعیت خود را در زمان پتن حفظ نمائید تصور می کنم جواب بدین سؤال آسان باشد و من تصریح می کنم که این اشخاص آلمانها بوده اند که یکسال و نیم بعد از برکناری سبب شدند که شما در رأس دولت قرار گیرید. چون لاوال باین پرسش نامربوط که مغایر با حس وطن پرستی اوست جواب معنی میدهد رئیس محکمه مجدداً سؤال می کند که آیا آن شخص آقای Ahetz آلمانی (سفیر کبیر آلمان) بوده و لاوال بی تفاوت پاسخ می دهد نه. مجدداً آقای رئیس محکمه توضیحاً یاد آور میگردد که وی مایل نمی باشد تا بطریقه اتهامی که در زمان انقلاب کبیر فرانسه معمول قضات بوده است محاکمه را ادامه دهد .

بر اثر این گفتار خنده و تمسخر بر سالن دادگاه حکم فرمائی شود و آقای رئیس در چنین وضع مضحکی که خود بر پا ساخته بگفتار خویش ادامه می دهد که مجبور است برای روشن شدن ادعای دادستان باینگونه سوالات متوسل گردد

لاوال بسبب عدم رعایت بیطرفی رئیس محکمه و اعضاء هیأت منصفه پاسخ میدهد که «بهیچوجه جوابی ندارد بدهد»

(ادامه دارد)

«Jen , ai rien a répondre .»